

در نشست هم اندیشی صندوق اعتباری هنرمندان مطرح شد

# مطالبه گر را حمایت می کنیم



**گروه فرهنگ و هنر:** دپروز مورخ یکم آذر ماه جاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمان از گروهی از هنرمندان و اصحاب رسانه دعوت کرده بود تا در محل کانون هنر گرد هم آیند و میزبان دکتر غلامرضا خلیل ارجمندی باشند و سخنان او را که رییس صندوق حمایت از هنرمندان است بشنوند و از مشکلات و مسایلمان با او سخن بگویند. در این نشست دکتر پورابراهیمی نماینده مردم کرمان در مجلس و فرشید فلاح، مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز حضور داشتند. در ابتدای جلسه فرشید فلاح ضمن خیر مقدم به معاون وزیر و نماینده مردم کرمان گفت: همان گونه که همه مستحضردید وزارت ارشاد اسلامی در دولت یازدهم با شعار ارتقای دیپلماسی فرهنگی و تلاش در جهت فعال کردن اقتصادی در فرهنگ و هنر به عرصه وارد شده است.

وی ادامه داد: اگر ما بخواهیم این دو عرصه را جدی بگیریم، صندوق اعتباری حمایت از هنرمندان جایگاه ویژه‌ای در این میان دارد و ما باید از حضور دکتر ارجمندی در کرمان استفاده نماییم. فلاح همچنین به مسأله‌ی مسکن هنرمندان اشاره کرد و گفت که تعدادی از هنرمندان کرمان متقاضی مسکن هستند.

دکتر پورابراهیمی: نماینده‌ی مردم کرمان نیز ضمن خیرمقدم به دکتر ارجمندی، به چند مورد از مشکلات هنرمندان اشاره کرد و گفت: ظاهراً در سال‌های اخیر بیمه‌ی تأمین اجتماعی بعضی از هنرمندان قطع گردیده یا در آن وقفه‌ای ایجاد شده، عده‌ای از هنرمندان نیز متقاضی دریافت این بیمه هستند و عده‌ای دیگر نیز مطالباتی دارند که آماده‌ی ما بشنویم.

**هر هنرمندی در هر کجای کشور باید با شناسه‌ی هنری خود شناخته شود.** دکتر ارجمندی، مهمان اصلی نشست امروز سخنان خود را با خواندن یک شعر شروع کرد و افزود: تفاوت بین اقتصاددان‌ها و هنرمندان، اجرایی بودن اندیشه‌های ما و محصول محور بودن نگاه ما است. یکی از مهمترین مسایلی که در این مدت چند ماه گذشته به آن می‌اندیشیم این است که اصولاً اقتصاد فرهنگ و هنر در کشور ما چه تعریف و معنایی دارد؟

وی سخنان خود را با شرح دیدگاه‌های کلی خود ادامه داد و گفت: دولت حق ندارد در هنر دخالت کند و هرگاه دولت چه قبل و چه بعد از انقلاب در هنر ورود و اعمال نظر کرده‌است، هنر خراب شده‌است.

رییس صندوق اعتباری هنرمندان افزود ما هنوز نتوانستیم برای رشته‌های مختلف فرهنگی و هنری، حرفه تعریف کنیم. وی به این نکته اشاره کرد که دولت‌های دیگری بر این باور بوده اند که "هنر" تفریح است و آن را شغل به حساب نمی‌آوردند و

بر همین اساس قدم برمی داشتند و تصمیم می‌گرفتند. سپس گفت: ما سعی داریم هنر را حرفه‌ای تعریف کنیم و کاربنیادی و اصولی انجام دهیم تا هنرمند روی پای خودش بایستد و ما در کنار هنرمند، به عنوان حامی او باشیم نه اینکه هنرمند امداد و وابسته‌ی دولت باشد.

ارجمندی اضافه کرد: من وارث صندوقی هستم که دهه‌ها است و بنابراین ما بر اساس کارهای کارشناسانه و مطالعات انجام شده تصمیم گرفتیم اول تکلیف بدهی را مشخص کنیم و بعد به پالیسی‌ها و کوچکی کردن سندهای صندوق پرداختیم و در جهت شفاف سازی گام برداشتیم.

این مسوول به حاضرین در جلسه که عموماً از اصحاب رسانه و هنرمندان مختلف بودند، توصیه کرد: تا جایی که ممکن است از دولت فاصله بگیرید و اصناف را راه بیندازید، وی شماره نظام پزشکی را مثال زد و افزود: در مقابل، وظیفه‌ی ما این است که شفاف سازی کنیم و برای هنرمندان مانند هر صنف دیگری شناسه تعریف کنیم.

رییس صندوق اعتباری حمایت از هنر گفت: هر هنرمندی در هر کجای کشور باید با شناسه‌ی هنری خود شناخته شود. ما مشکل اقتصاد و بیمه را حل می‌کنیم به شرط آنکه اختیار به ما داده شود. تمام تلاش من این است که زیرساخت‌های اقتصاد و فرهنگ و هنر را درست کنم.

**هدیه‌ی ویژه به کرمان:** ارجمندی گفت: ما قصد نداریم برای بیمه‌ی تأمین اجتماعی تا سال ۹۴ که اعتبار بودجه‌ی دولت تأمین می‌شود، عضو بگیریم. اما بر اساس توافقی که امضا کردیم تا پایان سال، آمادگی این را داریم که تا ۴۰۰ نفر را بیمه کنیم و من از این تعداد ۱۰۰ نفر را به کرمان اختصاص می‌دهم. همچنین اعطای ۱۰۰ وام تا سقف ۵ میلیون تومان برای کرمان را نیز وعده میدهم. ارجمندی همچنین در پاسخ به انتقادی مبنی بر عدم صدور کارت بیمه تکمیلی از زمان عقد قرارداد گفت: تأخیر در صدور کارت به منزله‌ی سوخت و از بین رفتن زمان نیست و قرارداد ما با بیمه تکمیلی از زمان یکم خرداد ماه سال جاری لازم الاجرا است.

ارجمندی برای مشارکت در پروژه‌های هنری به شرط آنکه همه جوانب آن سنجیده شده باشد، اعلام آمادگی کرد. در حاشیه‌ی این مراسم نیز سخنانی از جانب تعدادی از هنرمندان و مطبوعاتی‌ها زده شد که عموماً جنبه‌ی طرح مشکل داشت.

**کرمان آماده است مشاوره دهد** عبدالرضا قراری در این نشست گفت: تا رسیدن به اقتصاد مطلوب و مد نظر شما، صنوف و تشکیلات هنری قوام یافته لازم است و تا وقتی که صنوف تحقق نیابد

راهی بایی نمایشی از کرمان به سومین جشنواره‌ی سراسری تئاتر کودک و نوجوان "سوره" قرار گوسفندی "به صحنه"

سراسری تئاتر کودک و نوجوان سوره، از ۱۶ تا ۱۹ دی‌ماه سال جاری، به همت حوزه هنری کودک و نوجوان و مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری، در دو بخش مسابقه در موضوعات "قرآن و سیره‌ی معصومان(ع)"، "انقلاب اسلامی و دفاع مقدس"، "خردورزی و فلسفه"، "اخلاق اجتماعی"، "سبک زندگی"، "بازی، ورزش و سرگرمی"، "علم و فناوری" و "زبان فارسی" و بخش جنبی برگزار می‌شود و نمایش "قرار گوسفندی" از تولیدات واحد هنرهای نمایشی حوزه هنری استان کرمان، در این جشنواره به روی صحنه خواهد رفت.

کرمان، تهران، مشهد، اصفهان، بوشهر و قائم‌شهر را برای اجرا در جشنواره‌ی کودک و نوجوان سوره برگزیده‌اند. گفتنی است؛ سومین جشنواره‌ی

بعد از ظهر روز چهارشنبه‌ی گذشته، موسسه‌ی معراج اندیشه در سیرجان جلسه‌ای را به منظور نقد و بررسی کتاب پنجمین دفتر شعر محمد حسن مرتجبا با عنوان "رو به رو در سه پرده" برگزار کرده بود.

دوستان در موسسه‌ی مذکور، منت گذاشته و نگارنده را به عنوان منتقد میهمان از کرمان دعوت کرده بودند تا در کنار دوستان سیرجانی دربار‌ی آخرین شعرهای چاپ شده‌ی این شاعر سیرجانی با هم گفت و گو کنیم. در این جلسه محمد حسن مرتجبا شعر خواند و "هادی ترابی"، "امیر خالقی" و "نیز سخن گفتند و پرسش و پاسخ با علاقمندان حاضر در جلسه نیز به رونق جلسه افزود.

از آنجا که مدتها بود قصد نوشتن یاداشتی در باره‌ی "رو به رو در سه پرده" داشتم، فرصت را غنیمت دانسته چکیده‌ای از گفتار آن روز را که با عنوان "دعوت به خوانشگری" کلی به عنوان یک هنرمند حقوق بازنشستگی‌اش معادل حداقل حقوق کارگری است.

**صندوق جزئی از اقتصاد هنر است** دکتر پورابراهیمی دوباره سکندار شد و گفت: صندوق حمایتی هنرمندان تنها یک بخش از وزارت ارشاد است و از نگاه اقتصادی مجموعه‌ی وزارت ارشاد می‌تواند یک اقتصاد بزرگ به حساب آید و صندوق تنها جزئی از آن است. انالله دکتر ارجمندی با دانشی که دارد سعی در تجویلی کردن در سطح وزارت‌خانه دارد. وی افزود: از طرفی شما هنرمندان کرمان هم باید در کنار جامعه‌ی هنری کشور، مطالبات خود را مطرح و پیگیری نمایید. او گفت: من اعلام آمادگی می‌کنم که مطالبات شما را در مجلس پیگیری کنیم. هم‌راهی شما را می‌طلبم کما اینکه دوستان روزنامه نگار آمدند مشکلاتی را مطرح کردند و نتیجه‌ی آن جلسه‌ی است که الان ما در خدمت شما هستیم و امیدوارم با پیگیری شما این جلسات را مستمر کنیم. وی خطاب به دکتر ارجمندی گفت: مردم کرمان تجییدند و به جای پیگیری مطالبه به درد دل اکتفا می‌کنند و من معتقدم آنها ظرفیت این را دارند که روی پای خودشان بایستند و من در جهت توانمندسازی سندیکاهای تشکیلاتی هنری حاضر هر نوع کمکی بکنم. وی در ادامه‌ی وعده‌ی فرشید فلاح که خبر از مسافرت معاونت مالی و اداری وزیر ارشاد به کرمان داده بود افزود: من نیز مشارکت می‌کنم تا یک یا دو معاونت دیگر را به کرمان دعوت کنیم تا انشالله از برکات آن جلسات بهره بیشتری ببریم. در پایان دکتر ارجمندی در یک جمع بندی گفت: حرف من این بود که بخش خصوصی در هنر باید قوی شود و من عادت ندارم قبل از انجام یک کار آن را رسانهای کنم. او با بیان اینکه قرار ندارم حرفهایی بزنم که شما و دیگران را خوش آید و خوش خدمتی بلد نیستم گفت: برای اولین بار افاق فرهنگ و هنر را در افاق بازرگانی راه اندازی کردیم و خیلی کارها کرده‌ایم اما من در جهت رفع اشکالات بنیادین هستم. عیب جامعه‌ی فرهنگی هنری ما در این است که ۲ درصد سوپر استار و ۹۸ درصد گرفتار دارد، این فاصله فاصله‌ی بدی است. وی با تکرار این که در جهت ساخت بنیان‌هایی تلاش می‌کند که حوزه‌ی هنر و فرهنگ را حرفه‌ای و اقتصادی کند گفت تلاش می‌کنیم تا حد ممکن شفاف سازی کنیم و از شما هم تقاضا داریم که صندوق اعتباری حمایت از هنرمندان را که صندوقی غیرانتفاعی و غیردولتی است از خودتان بدانید.

**هنر به سمت کار گروهی پیش می‌رود** مسعود نکویی، آهنگساز با ذکر این نکته که امروزه هنرمندان به صورت گروهی کار می‌کنند و جوان‌ترها کار خود را به شکل گروهی شروع می‌کنند، تقاضا کرد مسولان ورود به صندوق را برای جوان‌ترها ساده‌تر بگیرند تا در این صورت آنها نیز تشویق شده و به کار حرفه‌ای ترغیب شوند.

**تفکر کار آفرینی ایجاد کنیم** دکتر موسوی: در این جلسه گفت: مطالبات باید به صورت صنفی مطرح شود و طبیعی است که این کار زمان می‌گیرد و ما باید تفکر کارآفرینی ایجاد کنیم تا بتوانیم به ایده‌آل‌های بالاتر دست پیدا کنیم. عضو پیشکسوت خانه‌ی مطبوعات وام کم بهره برای مطبوعات در جهت ایجاد دفتر و آموزش در این حوزه را پیشنهاد داد.

**چرا بیمه‌ی آرمان؟** بیگ مرادی به نمایندگی از هنرمندان تجسمی گفت: چرا بیمه‌ی آرمان را انتخاب کرده‌اید، در صورتی که بیمه‌های دیگر خدمات بهتری ارائه می‌دهند؟ لازم به توضیح است که دکتر ارجمندی در بخش پایانی سخنان خود در جواب به این سوال گفت: من با توجه به شناختی که از بیمه‌ها دارم، قراردادی را انتخاب کردم که تعهدات حرفه‌ای‌تری را منتقل شده و تعهداتش به لحاظ پوشش بیماری‌های رایج در جامعه، دربرگیری بیشتری دارد.

**شغل‌های موجود را ساماندهی کنیم** سبزه صادقی: مدیر انتشارات فرهنگ عامه پیشنهاد داد با توجه به خواستی که برای حرکت به سمت صنفا رواج یافته، شغل‌های موجود ساماندهی شود.

**هنرهای غیر کالایی را دریابید** رضا شمس: نویسنده و منتقد ادبی، به نمایندگی از جامعه‌ی شعر و ادب خطاب به مسوولان حاضر در جلسه گفت: ضمن تأیید نظرگاه کلی شما در این جهت که استقلال هنر حفظ شود و رشته‌های مختلف هنری به سمت حرفه‌ای شدن و درآمدزایی پیش رود، اما باید به رشته‌هایی مثل شعر یا داستان کوتاه جور دیگری اندیشید چرا که اصولاً این گونه‌های هنری در دنیای رقابت اقتصادی نمی‌توانند به عنوان یک کالای مورد نیاز عام مطرح شوند و به عنوان مثال نمی‌توانند یا

گروه فرهنگ و هنر - پنج شنبه ۲۹ آبان ماه جاری، چهل و چهارمین جشنواره فیلم آموزشی - تربیتی فیلم رشد در پردیسان شهید باهنر کرمان به کار خود پایان داد. زهرا ایرانمنش؛ مسول برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم علمی آموزشی رشد کرمان به گزارش خبرگزاری فارس، اظهار داشت: این جشنواره در سراسر کشور و در ۱۷ پردیس دانشگاه‌های فرهنگیان همزمان برگزار شد. ۵۰ فیلم برای اکران و نقد و بررسی به کرمان اختصاص داده شد که همه‌ی فیلم‌ها از ۲۳ تا ۳۰ آبان ماه سال جاری به اکران درآمدند. تمام شرکت‌کنندگان از استان کرمان بودند و ۴۰ کشور خارجی در این جشنواره شرکت کرده‌اند که ۱۴ فیلم خارجی در جشنواره کرمان اکران شده است. مخاطبان ما قشر فرهنگی و دانشجویان و مقاطع بالای متوسطه بودند. مسول برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم رشد کرمان عنوان کرد: از این جشنواره استقبال خوبی شده و حدود ۳ هزار نفر از این جشنواره بازدید کردند و ما در چهار سانس بخش فیلم داشته‌ایم.

وی افزود: در این جشنواره فیلم‌های

و وابسته به بعضی مولفه‌ها است که ما برای توضیح آن از واژه‌ی خوانش استفاده می‌کنیم و تأکید داریم که خوانش با خواندن فرق دارد. در ادامه سعی خواهیم کرد چند مولفه از میان مولفه‌های متعدد دیگری که شعر مرتجبا را توضیح می‌دهد و ما را در خوانش همدلانه با آن یاری می‌کند، در حد مجال بیان کنیم.

**واقعیت متن نه تقلید از واقعیت بیرون** ما در شعر مرتجبا با یک حادثه‌ی زبانی رو بروییم نه روایت زبان از یک واقعیت بیرونی مثلاً وقتی این سطر را می‌خوانیم: «بی تو مهتاب شبی باز از آن کوچه گذشتم» شاعر را روایتگر یک خاطره می‌بایم؛ خاطره‌ای که توصیف شده است، اما مرتجبا وقتی می‌سراید: «این خیابان مدام در ایستادم دست می‌برد» یک واقعیت بیرونی را به همان شکل که اتفاق افتاده روایت نمی‌کند بلکه یک اتفاق زبانی را به رخ ما می‌کشد و آن را برای ما تصویر می‌کند. البته لازم به ذکر است که این تفاوت یکبار در تک سطرها نمود پیدا می‌کند و یکبار

**در حاشیه رونمایی از مجموعه شعر محمد حسن مرتجبا**

**شعرهایی که فارسی را سگته کرده‌اند**

هم در فرم کلی شعر، چه بسا ما در شعرهایی از مرتجبا هم سطرهایی را بخوانیم که تنها روایتگر یک اتفاق بیرونی‌اند مانند «کلید بر در خانه می‌اندازم» اما در قرآیند خوانش کل شعر به عنوان یک فرم درمی‌یابیم که شعر مرتجبا به گونه‌ای دیگر از زیر بار روایت صرف واقعیت شانه خالی می‌کند. (شعر و واکلت درختی که ص. ۴۱)

**سرشار از شقه شدگی** خوانش شعر مرتجبا ضمن درک شقه شدگی ممکن است؛ این شقه شدگی ممکن است در حوزه‌ی عاطفی، روایی و یا متن‌هایی که نامی نمی‌خواهد آن‌ها فارسی را سگته کرده‌اند در حال کماند و چشم‌باز و خیرگی و سوراخ و کلی زلزله‌دگی و زلزله‌دگی و تلنبار آن

**آن شعرها برای "هیچ کس" نوشته شده‌اند** میان سطرهای کتابی که دوست می‌داشتند ... (شعر هنوز ادامه دارد)

شعرهایی را که مرتجبا می‌نویسد نباید خواند و باید خوانش کرد. شاید بر این حرف خیلی‌ها خرده بگیرند که این تنها لفاظی است مهم این است که با شعر ارتباط بگیریم و شعری که می‌خوانیم به ما لذت بدهد، دیگر چه فرقی است بین "خواندن" و "خوانش"؟ پاسخ من این است که اتفاقاً نکته‌ی اصلی در همین است که توضیح بدهم: ارتباط گرفتن با شعر امروز و لذت بردن از آن مستلزم نوعی تربیت ذهنی است

و وابسته به بعضی مولفه‌ها است که ما برای توضیح آن از واژه‌ی خوانش استفاده می‌کنیم و تأکید داریم که خوانش با خواندن فرق دارد. در ادامه سعی خواهیم کرد چند مولفه از میان مولفه‌های متعدد دیگری که شعر مرتجبا را توضیح می‌دهد و ما را در خوانش همدلانه با آن یاری می‌کند، در حد مجال بیان کنیم.

**رابطه با متون پشت سر** این سطرها از شعر مسخ را با هم مرور می‌کنیم: «عیب از دست‌های تند و بنفش کافکا است هرچه جانور را از راه چیده بود و نرسیده به من اینجا! فکر کردم که به شکل پروانه‌ای از دستاش بگیرم و گریختم...»

بدیهی است که برای لذت بردن از این شعر باید رمان "مسخ" نوشته‌ی کافکا را خوانده باشیم و بدانیم که مسخ سرگذشت یک شخصیت انسانی است که به سوک تبدیل می‌شود و ... آلی آخر. در این شکل گزارشی مجبورم به همین سه مولفه بسنده کنم و از ذکر شاخصه‌های دیگری را که در جلسه رونمایی کتاب برشمردم، درگذرم. اعتراف می‌کنم که تبدیل یک متن شفاهی به

روایتی نوشتاری در فرصت اندک برستی کاری سخت است و نگارنده در این زمان اندک تنها به نیت بازتاب رسانه‌ای جلسه‌ی مجموعه شعر "رو به رو در سه پرده" مطالب فوق را نوشتم. و از آنجا که بخشی از صحبت آن روزم وجهی انتقادی به شعر مرتجبا داشت، پایان بخش این نوشتار را نیز همان وجه منتقدانه قرار می‌دهم و ختم کلام.

متن شفاهی به

متن شفاهی به

و بعد زنگ مردم را کشت و تف کرد و افتاد دنبال تو؛ دیو، دیو، دیو و رفت با هر جا که ماری از آن بیرون می‌زد پوست بیندازد (دبی دبی چه حالی دارد) ...

این سطرها از شعر مسخ را با هم مرور می‌کنیم: «عیب از دست‌های تند و بنفش کافکا است هرچه جانور را از راه چیده بود و نرسیده به من اینجا! فکر کردم که به شکل پروانه‌ای از دستاش بگیرم و گریختم...»

بدیهی است که برای لذت بردن از این شعر باید رمان "مسخ" نوشته‌ی کافکا را خوانده باشیم و بدانیم که مسخ سرگذشت یک شخصیت انسانی است که به سوک تبدیل می‌شود و ... آلی آخر. در این شکل گزارشی مجبورم به همین سه مولفه بسنده کنم و از ذکر شاخصه‌های دیگری را که در جلسه رونمایی کتاب برشمردم، درگذرم. اعتراف می‌کنم که تبدیل یک متن شفاهی به

روایتی نوشتاری در فرصت اندک برستی کاری سخت است و نگارنده در این زمان اندک تنها به نیت بازتاب رسانه‌ای جلسه‌ی مجموعه شعر "رو به رو در سه پرده" مطالب فوق را نوشتم. و از آنجا که بخشی از صحبت آن روزم وجهی انتقادی به شعر مرتجبا داشت، پایان بخش این نوشتار را نیز همان وجه منتقدانه قرار می‌دهم و ختم کلام.

متن شفاهی به

متن شفاهی به

متن شفاهی به

متن شفاهی به

متن شفاهی به

متن شفاهی به

متن شفاهی به

متن شفاهی به

متن شفاهی به

متن شفاهی به



متن شفاهی به

متن شفاهی به

متن شفاهی به

متن شفاهی به

متن شفاهی به

متن شفاهی به

متن شفاهی به